

اصول و روش‌های تربیتی ناظر به سلامت جنسی در قرآن^۱

چکیده

اهتمام به مسئله سلامت جنسی در عصر حاضر، به علت گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی و وسایل ارتباطی که منجر به تشدید و تحریک شهوت منجر می‌گردد، ضرورتی مضاعف است. قرآن کریم در طرح مسائل جنسی از نهایت عفت و متانت بهره برده و در بازگویی اعمال و اندام‌های جنسی با استفاده از کنایات از بی‌پردگی و به کار بردن الفاظ صریح و قبیح اجتناب کرده است، این روش وسیله‌ای شده تا مخاطبان قرآن به اصل حیا و متانت گفتاری و رفتاری توجه بیشتری داشته و آثار اخلاقی و تربیتی قابل توجه قرآن در فرهنگ عمومی منعکس شود. میل جنسی و نیاز به ارضای آن از امیال فطری بشر است و قرآن به جهت سازگاری که با فطرت انسانی دارد انسان‌ها را به انتخاب راه سالم ارضای آن و پرهیز از بیراهه‌ها توجه داده و به آن‌ها یاد می‌دهد که چگونه باایمان به خدا و استعانت از او از بحران‌ها و مشکلات جنسی رهایی یابند. از طرف دیگر قرآن مؤمنین را به رعایت اصل حیا در گفتار و رفتار و جلوگیری از اختلاط زن و مرد به منظور بهره‌مندی از سلامت جنسی فرمان داده و در پایان با اظهار انزجار از اعمال قبیح و قاطعیت در برخورد با مفسدین، اصول و روش‌های تربیتی خود در امر سلامت جنسی را کامل کرده است. پژوهش حاضر با محوریت آیات شریفه قرآن این روش‌ها و اصول تربیتی را مورد بررسی قرار داده تا متصدیان حوزه تربیت به جای استفاده از قوانین تربیتی غیراصولی و ضد اخلاقی غرب از این منبع وحیانی و خطاناپذیر جهت پیشبرد سلامت جنسی جامعه بهره‌مند شوند. واژگان کلیدی: سلامت جنسی، تربیت جنسی، میل جنسی.

^۱ - استاد راهنما: نسرين فتاحی: دکترای رشته مطالعات مذاهب فقهی، مدرس حوزه، دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه، الهیات،

استادیار، ۰۹۱۸۸۵۵۶۴۸۷، tahoore87@yahoo.com

دبیرگروه: نگار کرمی: طلبه سطح ۳ مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن حضرت ولی عصر (عج) کرمانشاه، ۰۹۱۸۵۵۴۶۰۴۸،

skarami@gmail.com

سونیا کرمی، طلبه سطح دو مدرسه علمیه امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۰۹۱۸۷۱۹۹۹۰۹،

زهره مولودی، طلبه سطح سه مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن حضرت ولی عصر (عج) کرمانشاه، ۰۹۱۸۸۷۳۳۸۶۲،

مقدمه

سلامت جنسی یکی از شاخه‌های سلامت، و از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سلامت فرد و اجتماع است. هر جامعه‌ای به فراخور فرهنگ و اندیشه خود اصول و روش‌های تربیتی خاصی را در این حوزه پایه‌ریزی کرده و در برنامه‌های تربیتی خود به اجرا می‌آورد. متأسفانه در کشور ما و اکثر جوامع اسلامی این اصول بر اساس مبانی روانشناسی غربی تنظیم شده و منابع ناب دینی خصوصاً قرآن کریم مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. همین بی‌توجهی یا کم‌توجهی نسبت به اصول و روش‌های تربیت دینی باعث مشکلات فراوانی در مسائل جنسی شده و بحران و نابسامانی‌هایی را به وجود آورده است.

با توجه به رسالت هدایت‌گری و روشنگری که دارد به مسائل تربیتی و ازجمله تربیت جنسی اهتمام داشته و به علت تأثیرگذاری که غریزه جنسی بر امور مادی و معنوی انسان دارد، با استفاده از اصول و روش‌های خاصی مخاطبان خویش را متوجه بایدونبایدهایی می‌کند که باید در امور جنسی رعایت کنند؛ این اصول درواقع همان اصولی هستند که مسلمانان و متعهدین به سنت‌های الهی باید در حوزه تربیت جنسی و به‌منظور پیشبرد سلامت جنسی به کار گیرند، اصولی که کاملاً بر عقاید و افکار آن‌ها سازگاری داشته و با اهداف دنیوی و اخروی آن‌ها هیچ تضادی ندارد و باید جایگزین فرهنگ‌ها و روش‌های وارداتی و ضد اخلاقی غرب و کشورهای پیشرفته اما غیر متمدن شود.

از زمان افلاطون و ارسطو تاکنون درباره مسائل جنسی و چگونگی برخورد با غرایز جنسی نظراتی وجود داشته و تألیفاتی صورت گرفته است و روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و اندیشمندان حوزه دین هر یک به فراخور تخصصی که داشته‌اند در آن ورود پیدا کرده‌اند و دانشمندان و صاحب‌نظران دین مبین اسلام با توجه به اهمیت مسائل جنسی و نقش بسزایی که در سعادت با طغیان جوامع دارد آن را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما از تحقیق یا توشه‌ای که به صورت جامع و اختصاصی و تنها با محوریت آیات شریفه قرآن و اصول و روش‌های تربیتی را که در سلامت جنسی مؤثر واقع می‌شوند بررسی کرده باشد خبری نیست و آنچه موجود است یا صرفاً مطالعات روان‌شناختی است و با توصیه‌های اخلاقی. البته آثاری چند درباره روش‌ها و اصول تربیت جنسی انجام گرفته است اما این آثار نیز به‌نوعی کلی‌گویی کرده و از منابع اسلامی بیشتر اهتمامشان به روایات و کتب اخلاقی بوده است و پژوهشی درباره این موضوع خاص با توجه ویژه‌ای که به آیات کریمه قرآن در آن وجود دارد توسط پژوهشگر یافت نشد و به این منظور نوشتار حاضر با روش فیش‌برداری از منابع اسلامی خصوصاً تفسیری با رویکردی کاملاً قرآن تنظیم شد تا به این سؤال پاسخ دهد که: قرآن کریم مشتمل بر چه اصول و روش‌های تربیتی به‌منظور پیشبرد سلامت جنسی است؟

۱- نزاهت بیانی قرآن در طرح مسائل جنسی

قرآن کریم در شیوه بیانی خود در طرح مسائل جنسی، نهایت عفت کلام و ادب در گفتار را با بلاغت، رسایی معنا و زیبایی فوق‌العاده مقرون ساخته است و با گزینش الفاظ و عبارات کنایی، از کاربرد هرگونه لفظ قبیح، مستهجن و صریح در امور جنسی و زناشویی خودداری کرده است. این شیوه بیانی قرآن کریم یکی از جلوه‌های ستاریت خداوند است که کلامش ظاهر شده و شایسته است به عنوان الگو و نمادی مطلوب از حیا در طرح مسائل جنسی قرار گیرد (محمودی و ملکوتی خواه، ۱۳۹۱، ص ۷۹) امام صادق (علیه‌السلام) در تفسیر عبارت «لَا مَسْئَمَ لِّلنِّسَاءِ» در آیات شریفه قرآن (نساء/ ۴۳ و مائده/ ۶) آن را به آمیزش جنسی تفسیر کرده و می‌فرماید: «ولكن الله الستر فلم يُسَمَّ كما تُسمون» خداوند پرده پوش است و مستور بودن را دوست دارد، لذا مانند شما نام نبرده است.

(کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۵۵) این حدیث به پرده پوشی خداوند متعال و ساتر بودن او دلالت دارد که در آیات شریفه قرآن به کارگیری الفاظ صریح و بی پرده پرهیز نموده است. این شیوه بیانی قرآن را می توان در آیات فراوانی مشاهده کرد، قرآن کریم واژه های مربوط به افعال جنسی را به صورت کنایی و در کمال ادب و حیا را بیان کرده و غالباً از عبارت و واژگانی استفاده کرده که مختص به مسائل جنسی نیستند و کاربردهای دیگری هم در کلام عرب دارند به عنوان مثال کلمه «مس» در آیات زیادی از قرآن و در قالب معانی متفاوتی بیان شده است و در معنای رسیدن گرفتاری (الزمر / ۴۹)، نعمت (المعارج / ۲۱)، عذاب (هود / ۴۸) و ... کاربرد داشته و یکی از کاربردهای آن کنایه از روابط جنسی است چنان که می بینیم در آیه «ثُمَّ طَلَعْتُمْوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ» (احزاب / ۴۹) منظور از مس، انجام رابطه جنسی و زناشویی است؛ و واژه های رفت و مباشرت در آیه «لَيْلَةَ الصَّيَّامِ الرَّقَّتُ» (بقره / ۱۸۷) هر دو کنایه از جماع و رابطه زناشویی هست (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۱۵ و ۳۱۷) نظیر چنین کاربردی در مورد واژه های دیگر از جمله، تغشی، افشاء و خودبارد و قرآن کریم در نهایت حیا این الفاظ را به صورت کنایی در مورد افعال جنسی به کار برده و گویی این الفاظ پوششی هستند که قبح صراحت در کلام را از بین می برند.

راغب در مفردات درباره ی تعبیر قرآنی می گوید: «تمامی الفاظی که عمل زناشویی را افاده می کند، کنایات است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۲۳) این روش قرآن در طرح مسائل جنسی هم در مورد افعال جنسی و هم درباره اندام های جنسی وجود دارد؛ واژه هایی چون «سَوَات»، «عورت» و «فرج» را که کاربرد آنها اختصاص به اندام جنسی ندارد به صورت کنایی به آلت جنسی تعبیر کرده است و با این الفاظ که بر لوازم و عوارض آشکار شدن اندام های جنسی (مانند: نمایان شدن زشتی ها، شرمندگی، عار و آسیب) دلالت دارند به این اندام ها اشاره کرده و در واقع با ذکر لازم، اراده ملزم نموده و در قالب کنایه سخن گفته است (محمودی و ملکوتی خواه، ۱۳۹۱، ص ۶۳).

قرآن کریم نزاهت بیانی و متانت گفتاری خود را همه حوزه های مربوط به مسائل جنسی و التذاذات آن به کار گرفته است. از مجموع تعبیر به کار رفته در حوزه ی التذاذات جنسی که شامل التذذ قلبی، کلامی، بصری، لمسی و مقاربتی می شود و با جست و جوی آرای مفسران و لغت شناسان در معانی واژه های به کار رفته در این حوزه ها، چنین استنباط می شود که تمامی این واژگان، غیرصریح، از باب تشبیه، استعاره و بیشتر به صورت کنایه هستند (مستقیمی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹). اجرای این روش توسط قرآن کریم یک نوع الگودهی به مؤمنین بوده و قرآن با نزاهت و متانتی که در بیان مسائل جنسی دارد به مؤمنان یاد می دهد که چگونه حیا و متانت را در طرح مسائل جنسی رعایت کنند. از آن جا که بی پروا سخن گفتن از التذاذات جنسی و واژه های مرتبط با آن یکی از عوامل انحراف انسان ها در مسائل جنسی و تحریک غرایز جنسی است قرآن کریم با رعایت این امر هم ساحت مقدس خود را محترم شمرده و هم الگویی زیبا برای مخاطبین خود شده است به این ترتیب نزاهت بیانی قرآن را می توان یکی از اصول و شیوه های قرآن در پیشبرد سلامت جنسی دانست.

۲- انتخاب راه سالم ارضای میل جنسی

اصل اولیه در برخورد با یک میل و نیاز فطری پاسخگویی به این نیاز و ارضای میل فطرتی است. برای رشد و نمود، تکثیر و بقای نوع انسانی، شهوت های گوناگون در انسان قرار داده شده است و باید به گونه ای که با هدف خلقت منافات نداشته باشد آن ها را ارضا کرد. میل جنسی نیز یکی از امیال درونی انسان است که می تواند اهداف والایی را در زندگی بشر به ثمر بنشاند و رسیدن به این مهم در انتخاب راه درست ارضای میل جنسی است. آیات شریفه قرآن کریم با فطرت انسانی کاملاً هماهنگ و سازگاری داشته و خواهان

اشباع این انگیزه‌ها و غرایز طبیعی در حدود شرع مقدس اسلام و قوانین الهی و هنجارهای انسانی است. قرآن در مسائل مربوط به انگیزه‌ها، انسان را به دو امر متذکر می‌شود: اول ارضای خواسته‌های طبیعی از طریق حلال؛ دوم تعدیل در تأمین خواسته‌ها و پرهیز از افراط و تفریط. به عنوان مثال در قرآن برای تأمین غریزه طبیعی خوردن و آشامیدن می‌فرماید: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ» (بقره / ۶۰)؛ از رزق خداوند بخورید و بیاشامید. از طرف دیگر قرآن کریم انسان را از تأمین نیاز خود به وسیله‌ی حرام باز می‌دارد و در آیات دیگری از تعبیر لاتأكلوا استفاده می‌کند: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَذُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَثَمِ وَ أَنتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره / ۱۸۸)؛ و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید.

دستور قرآن درباره غرایز جنسی نیز به همین صورت است و قرآن ضمن اینکه انسان را به ارضای میل جنسی ترغیب می‌کند ولی ارضای آن را فقط از راه صحیح آن که ازدواج است جایز می‌داند و می‌فرماید: «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور / ۳۲)؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، هم چنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را، چنانچه فقیر و تنگدست باشند خداوند از فضل خویش آنان را بی‌نیاز می‌سازد. این چنین خداوند متعال برنامه ارضای این میل فطری انسان را تنظیم و به ازدواج و تشکیل زندگی زناشویی توصیه می‌کند.

اسلام ازدواج را پیوند مقدسی شمرده است که آثار و برکات آن بر زندگی مرد و زن جاری شده و برتری‌های بسیار زیادی بر سایر ارتباطات خواهد داشت از جمله تشکیل کانون گرم خانواده، تأمین آرامش مورد نیاز زن و شوهر، بقا و سلامت نسل و ... قرآن کریم با تعبیر «هَنَ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» (بقره / ۱۸۷) قداست و برتری ازدواج را یادآور شده و همسران را لباس یکدیگر دانسته است. این تشبیه لطیف از این جهت است که لباس مانع از آسیب است و ازدواج علاوه بر اینکه اطفای غریز را به همراه دارد صیغه ملکوتی آن، صیانت از گناه و حراست از نگاه آلوده است و مهم‌ترین بهره‌ای که از ازدواج نصیب همسران می‌شود صیانت گوهر دین از غارت ابلیس در بیرون و چپاول هوس در درون است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۴۶۰).

از طرف دیگر قرآن کریم راه‌های دیگر ارضای غریزه جنسی چون زنا و لواط را حرام شمرده و عقوبتی سنگین در دنیا و آخرت برای خاطیان در نظر گرفته و می‌فرماید: «وَ لَا تَقْرَبُوا الزَّوْیَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا» (اسراء / ۳۲) زنا نزدیک نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است و می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجِلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَيْسَ لَهُ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور / ۲)؛ هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید؛ و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند! بنابراین در صورتی که نیاز جنسی شکل گیر راه صحیح ارضای آن ازدواج است و در صورتی که امکان چنین ارضایی وجود نداشت باید به سمت تعدیل و کنترل حرکت کرد نه اینکه وقتی راه مجاز ارضا فراهم نشد آدمی به ارضا از راه‌های دیگر تمسک کند و آن را به هر صورت و هر مقدار که خواست پاسخ دهد و شیوه‌های غلط ارضای آن چون لواط، زنا، خودارضایی و ... را برگزیند. (ر. ک: ثابت، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲-۱۱۸)

۳- ایمان به خدا و استعانت از او در بحران‌های جنسی

توجه به خداوند و ایمان به او بارها در قرآن کریم به عنوان عاملی برای پیشگیری از گناه و انحراف معرفی شده است. کسی که در چارچوب شرع و دستورات الهی عمل می‌کند به راحتی می‌تواند راه شایسته را انتخاب نماید و از انحرافات و لغزش‌ها مصون بماند. چرا که چنین شخصی در تمامی لحظات زندگی خدا را شاهد و ناظر بر گفتار و اعمال خود می‌بیند و سعی در جلب رضایت او دارد. قرآن مجید تقوا و یاد خدا وسیله بینایی انسان و سلامت او از وسوسه‌های شیطان دانسته و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طُغْيَانٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف / ۲۰۱)؛ پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند. این آیه متوجه کسانی است که از راه اجتناب معاصی، تقوا پیشه کرده‌اند و هرگاه شیطان آن‌ها را وسوسه کند و به معصیت وامی‌دارد، بیاد عقاب می‌افتند و معصیت را مرتکب نمی‌شوند. متوجه رشد و صلاح خود هستند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۱۴۸) صاحبان ایمان در هنگام رویارویی با مواضع گناه و بحران‌های جنسی به خداوند پناه برده و به‌منظور اجتناب از گناه و لغزش، از او و استعانت از جانب خداوند متعال در سوره یوسف می‌بینیم هنگامی که یوسف (علیه‌السلام) مورد طمع همسر عزیز مصر قرار گرفت و همسر عزیز به قصد کام‌جویی از یوسف (علیه‌السلام) درها را به زوی او بست، یوسف با مشاهده اینکه همه جریان‌ها به سوی لغزش و گناه فراهم شده و هیچ راهی از نظر ظاهر برای او باقی نمانده است به پاسخ به زلیخا به این جمله قناعت کرد و گفت «مَعَاذَ اللَّهِ» (یوسف / ۲۳). در واقع حضرت یوسف (علیه‌السلام) با این جمله به زلیخا و هر کس دیگری فهماند که در چنین شرایط سخت و بحرانی برای رهایی از چنگال وسوسه‌های شیطان و آن‌هایی که خلق و خوی شیطانی دارند و انسان را به انحراف می‌کشاند، تنها راه نجات، پناه بردن به خداست، خدایی که خلوت و جمع برای او یکسان است و هیچ چیز در برابر اراده‌اش مقاومت نمی‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۶۷)

در جریان این داستان و قصد لذت جویی که زلیخا از یوسف (علیه‌السلام) داشت، زلیخا به تمام وسایل و روش‌ها برای رسیدن به مقصد خود متوسل شد، وسایلی که تنها بخشی از آن‌ها برای تحریک یک جوان مجرد و هم سن و سال یوسف (علیه‌السلام) کافی بود، ولی حضرت یوسف (علیه‌السلام) با استفاده به خداوند در برابر امواج شدید شهوت ایستادگی نمود و خود را به کشتی لطف پروردگار سپرد که اگر نمی‌سپرد، در آن دریای شهوت غرق شده بود، همان گونه که آیه بعد می‌فرماید: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَن رَّأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف / ۲۴)؛ آن زن قصد او کرد؛ و او نیز- اگر برهان پروردگار را نمی‌دید- قصد وی می‌نمود! این چنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم؛ چرا که او از بندگان مخلص ما بود؛ و خداوندی که وعده حمایت از مؤمنان مخلص و پاک‌دامن را داده است او را نجات داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۲۰). قرآن کریم آیات مذکور و مانند آن‌ها را وسیله تذکر به بندگان قرار داده که اگر راه ایمان و تقوای استعانت و یاری کنند خداوند هم آن‌ها را رها نمی‌کند و به یاری و لطف خداوند متعال از همه انحرافات و ناهنجاری‌ها در امان خواهند ماند. بنابراین یکی از اصول قرآن در سلامت جنسی توجه دادن مخاطب به استعاذه و استعانت است، آنچه عامل نجات مؤمنین از ورطه سقوط و تباهی به سعادت و سلامت است.

۴- رعایت اصل حیا در پوشش، نگاه و رفتار

یکی از اصولی که در قرآن برای رسیدن به سلامت جنسی مورد تأکید قرار گرفته است رعایت حیا و عفت در رفتار است که شامل: نگاه، گفتار، پوشش و ... می‌شود. یکی از آباتی که محدوده‌ی تماس زن و مرد در سطح جامعه در آن ترسیم شده و مشخصات یک

۷- اظهار انزجار از اعمال قبیح

در قرآن کریم آمده است: «وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ» (انعام/ ۱۵۱)؛ و به کارهای زشت چه آشکار و چه پنهانش نزدیک نشوید. کلمه فواحش جمع فاحش و به معنای قول یا فعل قبیح و بسیار زشت است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۳۶) و خداوند تعالی در کلام خود زنا، لواط و نسبت دادن زنا به مردان و زنان پاکدامن را از مصادیق فاحشه شمرد و از ظاهر کلام بر می آید که منظور از فاحشه ظاهری، گناه علنی و مقصود از فاحشه باطنی، گناه سری و روابط نامشروع برقرار کردن به صورت مخفیانه است، و اما نهی که در آیه آمده است و بندگان را به دوری کردن از فاحشه دستور داده است به این جهت است که چنین اعمال شنیعی اگر مورد تحریم واقع نمی شد، شفاعت و زشتی اش از میان می رفت و شایع می گردید، چرا که این امور از بزرگترین موارد علاقه نفس است و نفس از محرومیت درباره آن ها به خاطر طبیعتی که دارد سخت ناراحت می شود در صورتی که به خود واگذار شود به سرعت فحشاء را در بین جامعه شیوع داده (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۱۷) و با شیوع منکرات و اعمال قبیح جنسی، فساد رفته رفته کل جامعه را فرا می گیرد.

این نهی قرآن از نزدیکی به اعمال قبیح نوعی اظهار انزجار خدای تعالی از فواحش است که یکی از اصول و شیوه های تربیتی قرآن در مسائل جنسی است چرا که نهی از جانب خداوند تعالی هنگامی صادر می شود که متعلق آن نهی امری ناپسند و مورد ذم خدای تعالی باشد و وقتی بنده از پروردگارش خائف است و او را شایسته اطاعت می داند، وقتی عملی را مورد کراهت و نفرت خداوند متعال دانست از آن دوری می کند و قبح آن اعمال بیش از پیش برایش روشن می شود.

در آیه دیگر این قباح و زشتی اعمال نامشروع جنسی به روشنی تذکر داده شده و خداوند متعال می فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء / ۳۲)؛ و مرتکب زنا نشوید که کاری بسیار زشت و راهی بد است. این آیه علاوه بر اینکه از زنا نهی کرده است در حرمت آن مبالغه کرده چرا که نفرموده این کار را نکنید بلکه فرموده نزدیکش هم نشوید و این نهی را چنین تعلیل کرده که این عمل فاحشه است و زشت و فحش آن صفت لاینفک و جدایی ناپذیر آن است، و این اظهار انزجار خود را با عبارت «وَسَاءَ سَبِيلًا» مورد تأکید قرار داده و به انسان ها می فهماند که این روش، روش زشتی است که به فساد جامعه، و نابودی انسانیت و شئون زندگی اجتماعی می انجامد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۱۷) البته به این نکته نیز باید توجه کرد که وقتی قرآن می گوید به این عمل شوم نزدیک نشوید، این تعبیر علاوه بر تأکیدی که در عمق آن نسبت به خود این عمل نهفته است، اشاره لطیفی به این است که آلودگی به زنا غالباً مقدماتی دارد که انسان را تدریجاً به آن نزدیک می کند و آن مقدمات نیز متعلق نهی قرآن هستند اعمال قبیحی چون چشم چرانی، برهنگی، بی حجابی، کانون های فاسد، کتاب ها و فیلم های آلوده و خلوت با اجنبی (ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۰۳)

یکی دیگر از وجوه نمایان قبح اعمال شنیع جنسی، اظهار تنفر نسبت به انسان های بدکاره و پایین آوردن شأن و جایگاه آنهاست. در آیه ای از قرآن کریم آمده است: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (نور / ۳)؛ مرد زناکار نباید جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج کند و زن زناکار نباید جز با مرد زناکار یا مشرک ازدواج نماید و این (ازدواج) بر مؤمنان حرام شده است. اینکه خداوند در این آیه زانی و مشرک را با هم آورده برای اهمیت دادن به گناه زنا است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۷، ص ۹۷) و عطف مشرکان بر زانیان در واقع برای بیان اهمیت مطلب است، یعنی گناه زنا هم طراز گناه شرک است و در بعضی روایات هم وارد شده که شخص زناکار در آن لحظه ای که مرتکب این عمل می شود از ایمان بازداشته می شود

(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۶۲) بنابراین اینکه خداوند مردان و زنان زناکار و آلوده را تنها درخور و شایسته مردان و زنان زانی و یا مشرک دانسته است نهایت پستی مقام شخص زناکار را می‌رساند و قرآن کریم باین بیان عبارات نهایت قبح عمل زنا را بیان کرده و کراهت خود را از چنین عمل و چنین عاملی را اظهار داشته است.

۷- قاطعیت در برخورد و مجازات مفاسد جنسی

قرآن کریم نسبت به مفاسد و انحرافات جنسی برخورد شدیدی داشته و مجازات سختی را در دنیا و آخرت برای خاطیان و گناهکاران ذکر کرده است. چنانکه قوم لوط به علت ارتکاب به عمل شنیع لواط و اصرار بر آن به عذاب الهی در دنیا و عذاب جاودان اخروی محکوم شده و در دنیا خداوند بارانی از کلوخ بر سرشان ریخت که آن‌ها را به هلاکت رساند: «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ» (هود/ ۸۲)؛ پس همین که امر ما فرار سید سرزمینشان را زیر و رو نموده، بلندی‌هایش را پست و پستی‌هایش را بلند کردیم و بارانی از کلوخ بر آن سرزمین باریدیم کلوخ‌هایی چون دانه‌های تسبیح ردیف شده. به این صورت آن‌هایی که همه چیز را وارونه کرده بودند و وقاحت و بی‌شرمی را به آنجا رساندند که حتی می‌خواستند به حریم میهمان‌های رهبرشان (حضرت لوط) نیز تجاوز کنند، این‌ها باید شهرشان هم واژگونه شود، نه فقط زیر و رو شود که بارانی از سنگ، آخرین آثار حیات را در آنجا در هم بکوبد و آن‌ها را زیر پوشش خود دفن کند، به گونه‌ای که حتی اثری از آن‌ها در آن سرزمین دیده نشود مسلماً سنت قطعی خداوند در مجازات مجرمین و مفسدان در قوم لوط خلاصه نمی‌شود و هر گروه منحرف و ستم پیشه‌ای باید چنین سرنوشتی را به انتظار بنشینند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۹۰)

در جای دیگری قرآن کریم مجازات مردان و زنان زناکار را بیان کرده و به اجرای کامل حد زناکار و عدم سهل‌گیری در مجازات خطاکاران اصرار می‌ورزد و می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدُ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور/ ۲)؛ هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید؛ و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند. این آیه علاوه بر اینکه بر زناکار از زن و مرد حد صد ضربه تازیانه را مشخص کرده در ادامه عبارت «وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ» را متذکر می‌شود به مجریان حدود دستور می‌دهد که در مجازات ذکر شده رأفت و دلسوزی به خرج نداده و در اجرای حد سهل‌انگاری نکنند (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۰۶).

بنا بر نقل تفاسیر آیه مذکور مشتمل به سه دستور است که اهتمام قرآن در شدت برخورد با زناکار را رسانده و اینکه چنین برخورد و قاطعیتی یکی از روش‌ها و اصول قرآن برای مصونیت جامعه از نابه‌هنجاری‌های جنسی و تضمین سلامت آن است؛ این سه دستور به شرح ذیل است:

الف- حکم مجازات زنان و مردان آلوده به فحشاء و بی‌بند و باری جنسی

ب- تأکید بر این که در اجرای این حد الهی گرفتار محبت‌ها و احساسات بی‌مورد نشوید، احساسات و محبتی که نتیجه‌ای جز فساد و آلودگی اجتماع ندارد، و برای خنثی کردن انگیزه‌های این گونه احساسات مسئله ایمان به خدا و روز جزا را پیش می‌کشد چرا که نشانه ایمان به مبدأ و معاد، تسلیم مطلق در برابر فرمان او است.

ج- دستور حضور جمعی از مؤمنان در صحنه مجازات است چرا که هدف تنها این نیست که گناهکار عبرت گیرد، بلکه هدف آن است که مجازات او سبب عبرت دیگران هم شود و به تعبیر دیگر با توجه به بافت زندگی اجتماعی بشر، آلودگی‌های اخلاقی در یک

فرد ثابت نمی‌ماند، و به جامعه سرایت می‌کند، برای پاک‌سازی باید همان‌گونه که گناه برملا شده مجازات نیز برملا گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۶۰)

قرآن کریم متذکر می‌شود که علاوه بر مجازات‌های ذکر شده برای فاعلان اعمال شنیع جنسی در دنیا، این خطاکاران در آخرت نیز آسوده نخواهند بود و عذاب الهی آن‌ها را فرامی‌گیرد و به کیفر نافرمانی و اعمال ناشایست خود خواهد رسید و چه بسا که عذاب قیامت برای آن‌ها دو چندان شود: «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا» (فرقان / ۶۸ و ۶۹)؛ و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند؛ و انسانی را که خداوند خونس را حرام شمرده، جز بحق نمی‌کشند؛ و زنا نمی‌کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند. همان طور که می‌بینیم در این آیات گناه زنا در کنار شرک و قتل نفس قرار گرفته و این همراهی شدت قباحت و اهمیت زنا را می‌رساند، سپس قرآن کریم با تأکید بیان کرده که کسانی که مرتکب این امور شوند عذاب آن‌ها در قیامت مضاعف است و در آن جاودانه می‌مانند.

به این ترتیب قرآن کریم یکی دیگر از اصول و روش‌های خود را در تحقق سلامت جنسی فرد و به تبع آن جامعه را بیان می‌کند و متذکر می‌شود که وقتی مخاطب از طریق اصول اولیه چون دعوت به رعایت حیا، ارضای صحیح میل جنسی و برحذر داشتن از محرک جنسی و... از اعمال قبیح و مفسد جنسی دوری نکرد و باز به بی‌بند و باری‌های جنسی تمایل نشان داد و مرتکب افعال قبیحی چون زنا و لواط شد، نوبت به تنبیه و مواخذه می‌رسد تا از این مسیر از گناهان بعدی او جلوگیری شود و دیگر افراد جامعه نیز جرأت و جسارت بر گناه پیدا نکنند. این اصل یکی از اصول کلی در جوامع بشری نیز هست چرا که در قوانین اجتماعی همه جوامع برای پیشگیری از وقوع جرایم بیشتر و جلوگیری از جسارت بر جرم و خطا، یکی از تأثیرگذارترین روش‌ها مجازات خطاکاران و مجرمین است.

نتیجه گیری

- ۱- قرآن کریم با نزاهت و متانتی که در بیان امور جنسی (اعم از افعال جنسی و اندام‌های جنسی) دارد هم یکی از مظاهر حیا و ستاریت خداوند متعال است و هم الگویی مطلوب و نمادی آرمانی در حیطه مسائل تربیتی و جنسی برای مخاطبین خود می‌باشد.
- ۲- قرآن ضمن اینکه انسان را به ارضای میل فطری جنسی ترغیب می‌کند ولی ارضای آن را تنها از راه صحیحش که ازدواج است جایز می‌داند و از هر نوع عمل منافی عفت اظهار انزجار کرده و ممنوعیت و قبح بیراهه‌های ارضای غریزه جنسی چون لواط و زنا را در آیات زیادی متذکر می‌شود.
- ۳- قرآن کریم به‌منظور پیشگیری از بی‌بند و باری‌های جنسی همه انسان‌ها را به رعایت اصل حیا در پوشش، نگاه و رفتار و در نیامیختن با جنس مخالف دعوت کرده و از آن‌ها می‌خواهد که برای مصونیت از انحرافات جنسی در بحران‌ها و مشکلات ایمان خود را به خدای تعالی تقویت کرده و از او یاری بخواهند.
- ۴- از آن جایی که مجازات مجرمین یکی از راهکارهای پیشگیری از جرائم در جوامع است قرآن کریم به این اصول نیز توجه داشته و برای خاطیان و مفسدان جنسی مجازات‌های سختی را در دنیا و آخرت متذکر شده است.

فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. این جزئی، محمد بن احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت، دارالارقم بن ابی الارقم، ۱۴۱۶ ق.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۴. ثابت، حافظ، تربیت جنسی در اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵ ش.
۵. جواد آملی، عبدالله، تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش.
۶. حسینی شیرازی، سید محمد، تبیین القرآن، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۳ ق.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
۸. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۹. صادقی تهران، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن قم، مؤلف، ۱۴۱۹ ق.
۱۰. طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه مترجمان، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۳. فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۴. فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش ها، قم، دارالحديث، ۱۳۸۷ ش (۱۴۲۹ ق).
۱۵. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۱۶. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۱۸. محمودی و ملکوتی خواه، سید احمد و اسماعیل، بررسی بعد زیباشناختی و نزاهت بیانی قرآن کریم در مسائل جنسی، فصلنامه کتاب قیم، بهار ۱۳۹۱، شماره ۵.
۱۹. مدرسی، سید محمدتقی، من هدی القرآن، تهران، دارمحبی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
۲۰. مستقیمی و دیگران، مهدیه السادات، تحلیلی از متانت گفتاری زبان قرآن در حوزه التذاذات جنسی، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۴۹.
۲۱. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۷۷ ش.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۲۴. میبدی، احمد بن محمد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۲۵. نوری زاد، صمد، نگرشی بر اعجازهای پزشکی قرآن، قم، آیت عشق، بی تا.

۲۶. یوسفی، شهناز، بازشناسی تربیت جنسی با رویکردی اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹ ش.